

Original Article

Criminal Liability for Abetting and Prosecuting a Crime



Sajjad Momeni*

Researcher and law graduate, majoring in criminal law and criminology, Payame Noor, Iran



Citation Sajjad Momeni, **Criminal Liability for Abetting and Prosecuting a Crime.** *J. Law Political Stud.*, 2022, 2(1), 85-93.

<https://doi.org/10.22034/ilps.2022.1.6>

**Article info:****Received:** 19 January 2022**Accepted:** 30 April 2022**Available Online:** 30 April 2022**ID:** JLPS-2110-1033**Checked for Plagiarism:** Yes**Keywords:**

abetting, cause, victim's behavior, premeditated murder.

ABSTRACT

The present article is an attempt to provide a comprehensive criminal approach to the relationship between causality, criteria analysis, and challenges of this pillar of criminal responsibility in the light of judicial rulings and criminal law, and more particularly the novel Islamic Penal Code. Assuming multiple reasons, it is one of the most difficult issues in criminal law, determining the causal relationship between a criminal act and the obtained result, especially in the case of multiple causes, is one of the most difficult issues in criminal law. When several individuals are involved in the crime at various (longitudinal) times and there is a relatively long time gap between the interveners' behavior and the result (such as murder), this issue sometimes appears as a serious problem and unsolvable dilemma, as well. Article 494 of the Islamic Penal Code explicitly states that; "Abetting is to commit a crime directly by oneself" and refers to Article 492 in the discussion about crimes against the physical integrity, the others' lives, and in the manner of cooperation in murder commission, as well as in the discussion of cause, the abettor, and its relationship to the contagion in crimes; "A crime is punishable by retribution or blood money if the result is the evidence of the perpetrator's behavior, whether it is committed directly, through the intercourse, or in their community." It can be concluded that in premeditated murder, one of the cases that, despite the perpetrator's intention to kill, can break the citation relationship between the perpetrator's behavior and the result, is the behavior of the victim. Besides, this behavior by the victim is "intentional or unintentional", or it is further in the omission form, which can interrupt the citation relationship between the perpetrator's behavior and the resulting murder.

*Corresponding Author: s.momei1060@gmail.com (Sajjad Momeni)

مسئولیت جزائی مباشرت و تسبیب در جرم

سجاد مؤمنی*

پژوهشگر و دانش آموخته حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، پیام نور، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع سجاد مؤمنی، مسئولیت جزائی مباشرت و تسبیب در جرم، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۱،

بهار ۱۴۰۱: ۸۵-۹۳.

doi <https://doi.org/10.22034/ilps.2022.1.6>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۹ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ آنلاین شدن: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

کد مقاله: JLPS-2110-1033

کلیدواژگان:

مباشرت، سبب، رفتار مقتول، قتل عمد.

نوشتار حاضر تلاشی است در جهت ارائه یک نگرش جامع کیفری نسبت به رابطه سببیت و تحلیل معیارها و چالش‌های این رکن مسئولیت کیفری در پرتو آرای قضایی و قوانین کیفری به‌ویژه قانون جدید مجازات اسلامی است، تشخیص رابطه سببیت بین عمل مجرمانه و نتیجه به‌دست آمده، خصوصاً بر فرض تعدد اسباب، از مشکل‌ترین مباحث حقوق کیفری است. این موضوع در حالتی که افراد متعددی در زمان‌های متفاوت (طولی) در وقوع جنایت دخالت می‌کنند و بین رفتار مداخله‌کنندگان و نتیجه حاصله (مانند قتل) فاصله زمانی نسبتاً طولانی وجود دارد، گاه به‌عنوان مشکل جدی و معضل لاینحل ظاهر می‌شود. قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۹۴ به‌صراحت بیان می‌کند که: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود» و در بحث جرائم علیه تمامیت جسمانی و حیات دیگران و در مورد نحوه همکاری در ارتکاب قتل و همچنین در بحث سبب و مباشر و رابطه آن با سرایت در جنایات به ماده ۴۹۲ نیز اشاره دارد؛ «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود» می‌توان نتیجه گرفت که در قتل عمدی یکی از مواردی که باوجود قصد قتل توسط مرتکب، می‌تواند رابطه استنادی بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله را قطع کند، رفتار مقتول است، حال این رفتار از سوی مقتول «عمدی آگاهانه و یا ناآگاهانه» باشد و یا به‌صورت ترک فعل نیز باشد که می‌تواند رابطه استنادی بین رفتار مرتکب و قتل حاصله را قطع کند.

مقدمه

عمل زده باشد، وی متهم به اقدام به قتل عمد است. تسبیب یک عنوان فقهی است که درباره سبب وقوع جنایت بر افراد و غضب و اتلاف اموال به کار می‌رود که فرد به‌طور مستقیم در بروز آن نقشی ندارد و در لغت نیز به معنای سبب شدن برای تحقق امری است. تسبیب در مقابل مباشرت به کار می‌رود. در مباشرت کار بدون واسطه انجام می‌شود. به عبارتی جنایت یا اتلاف مال دیگری به‌طور مستقیم توسط شخص صورت می‌گیرد. همانند فردی که مستقیماً به دیگری شلیک کند یا آتش به خرمن دیگری بیندازد؛ اما در «تسبیب» فرد سبب وقوع

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، صراحتاً پیرامون مصادیق قتل عمد توضیح داده است. قتل عمد در صورتی رخ می‌دهد که قاتل دقیقاً باهدف کشتن فرد مقتول دست به این عمل بزند. حتی در مواردی که نفس فعل‌کشنده محسوب نشود، اما باتوجه به شرایط مقتول، مانند کهولت سن، ناتوانی، کودکی و ... قابلیت کشتن داشته باشد، فرد مرتکب به قتل عمد شده است. طبق ماده ۲۹۰، حتی اگر عمل فرد متهم نهایتاً فوت فرد یا عده‌ای از افراد نشود، اما وی با قصد کشتار دست به آن

تحقق اجتماع طولی عوامل، منوط به ترتیب زمانی تأثیر هریک از آنها در وقوع نتیجه واحد است، چه آنکه در حدوث، تقدم و تأخر داشته یا همزمان واقع شده باشند. بنابراین، در این فرض تأثیر هر فعل، نسبت به دیگری تقدم یا تأخر دارد به طوری که در زمان وقوع زیان، تنها اثر یک عامل، حضور دارد. اجتماع طولی عوامل مؤثر در زیان واحد، منحصر به دو صورت است:

۱- اجتماع سبب و مباشر، ۲- اجتماع اسباب

بنابراین صورت سوم، که در اجتماع عرضی عوامل، بر نحو «اجتماع مباشرین» ممکن بود، در اجتماع طولی، غیرقابل تصور است زیرا مباشرت، ایجاد نزدیکترین علت به نتیجه است و علت، عاملی است که، از وجودش، وجود معلول و از عدمش، عدم معلول، لازم می‌آید. به عبارت دیگر با واقع شدن «علت» نتیجه، در پی آن محقق می‌گردد، از این رو امکان منطقی جمع دو مباشر، با ترتیب زمانی تأثیر هریک از آنها، در حدوث معلول واحد، منتفی است. چراکه با تأثیر علت مقدم، نتیجه حاصل آمده و مجالی برای تأثیر علت مؤخر، باقی نمی‌ماند. با وجود این، برخی، حدوث مباشرت بر مباشرت را از موارد اجتماع مباشرین در طول یکدیگر تلقی کرده‌اند؛ مانند وقتی که «الف»، «ب» را زخمی کند و «ج» او را به قتل برساند، (قیاسی، ۱۳۹۰: ۳۴؛ به نقل از صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

این برداشت که با مفهوم مباشرت بیگانه است غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد زیرا علاوه بر آنکه امکان اجتماع طولی مباشرین به دلالت عقل، مردود است، مثال مذکور نیز اصولاً خارج از موضوع بوده و از موارد اجتماع چند عامل، قلمداد نمی‌گردد، زیرا وقوع نتیجه واحدی که از دخالت عوامل متعدد ناشی شده، شرط اساسی در تحقق فرض اجتماع عوامل است. پس اگر «الف»، «ب» را زخمی کند، سپس دیگری او را به قتل برساند در واقع دو جنایت یعنی جرح و قتل، که مستقل از یکدیگرند حادث شده، زیرا دو فعل با دو نتیجه متمایز انجام شده است؛ لذا عامل هر فعل نسبت به نتیجه

جنایت، مستقیم در بروز آن نقش ندارد. در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز تسبیب این‌گونه تعریف شده است که «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود؛ به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد؛ مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند» یا افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک همسایه و نیز شهادت دادن دروغین علیه کسی که موجب تلف شدن مال یا جان کسی یا وارد آمدن خسارت به وی می‌شود. یکی از اصول مسلم حقوقی در نظام قضایی ما این است که «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست». مضمون این قاعده این است که چنین فرض می‌شود، تمام افراد جامعه، از همه احکام و قوانین، آگاهی دارند و مصداق بارز فرض‌های حقوقی، اطلاع یافتن از قوانین است؛ بنابراین ادعای جهل نسبت به قانون از ناحیه هیچ‌کس پذیرفته نیست، یعنی فردی در مقام اثبات نمی‌تواند بگوید که من درباره فلان قانون آگاهی نداشتم. هرچند که از بعد حقوقی، ضرورت آموزش (تعلیم) قوانین، از اصول مسلم حقوقی است و بر همه مکلفان (کسانی که به سن بلوغ و تکلیف رسیده‌اند) واجب است که قوانین مدون مصوب مجلس شورای اسلامی را پس از ابلاغ دولت و لازم‌الاجرا شدن آن با اعلان در روزنامه رسمی یاد بگیرند و طبق آن عمل کنند؛ اما می‌دانیم قوانینی که در روزنامه‌ها یا در روزنامه رسمی منتشر می‌شود، همه مردم نمی‌خوانند؛ بنابراین اگر اجرای قانون در مقابل هرکسی منوط به اطلاع او باشد، هیچ قانونی اجرا نمی‌شود، چون فرض شده است که اگر قانون در روزنامه رسمی منتشر شود و پانزده روز از مدت آن بگذرد، همه نسبت به قانون آگاه شده‌اند. در حقیقت، چنانچه قانونی تصویب و لازم‌الاجرا شود، کسی حق ندارد بگوید که من این قانون را نمی‌دانم؛ زیرا بعد از آن انتشار قانون، همه آگاه به قانون فرض می‌شوند.

۱- اجتماع طولی

جنایت به عامل جنایت ملاک قرار گرفته است، بدون اینکه مباشر یا سبب بودن عامل فی نفسه موضوعیتی داشته باشد؛ بنابراین از آنجاکه عرفاً جنایت به هر دو عامل استناد دارد و هر دو عامل از نظر میزان تأثیرگذاری (بر اساس عرف) مساوی می‌باشند، مسئولیت متوجه هر دو عامل خواهد بود و در نتیجه مباشر یا سبب بودن نمی‌تواند ملاک تعیین مسئولیت باشد، به عبارت دیگر معیار مهم، اسناد عرفی جنایت است که به هر دو عامل نسبت داده می‌شود. با وجود این، هر چند ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موافق با این نظر است، ولی شایان ذکر است که پیش از تصویب این قانون، شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۹۲۳ مورخه ۷۲/۱/۳۰ به این مطلب تصریح کرد که در صورت تساوی سبب و مباشر، مباشر ضامن است. (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۳).

در پرونده مورد بحث، قاضی دادگاه بدوی، مباشر و سبب، هر دو را مسئول قلمداد کرده بود. ولی شعبه ۲۶ دیوان با استناد به کتاب جواهرالکلام، رأی را نقض کرده و نظر به انحصار مسئولیت نسبت به مباشر داده بود، (بازگیر، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

۳- اجتماع اسباب متعدد در عرض هم

گاهی اتفاق می‌افتد که چند سبب در عرض هم و به طور هم‌زمان بدون این‌که تأثیر هر کدام از آن‌ها متوقف بر وجود عامل دیگر باشد و بدون این‌که وجود یکی شرط تأثیر دیگری باشد، در وقوع جنایت مداخله می‌نمایند، به نحوی که جنایت حاصله ناشی از فعل همه آن‌ها و مستند به همه اسباب است. این حالت درجایی است که به دلیل فقدان یا ضعف مباشرت، جنایت قابل استناد به مباشر نبوده، بلکه عرفاً یا به تشخیص کارشناس، رابطه علیت بین افعال اسباب متعدد و وقوع جنایت برقرار است و جنایت مستند به فعل همه آن‌ها است. به عنوان مثال اولین سبب در غذای مجنی علیه سم ریخته و دیگری داروی وی را زهر آلود می‌کند و مجنی علیه در اثر تأثیر هر دو سم فوت شود. در اینجا با دو سبب مواجه هستیم که در عرض یکدیگر قرار دارند؛ بنابراین در مثال ذکر شده مرگ مستند به فعل هر دو سبب است؛ یعنی اسبابی که در عرض

حاصل از آن مستقلاً ضامن خواهد بود.^۱ لکن اگر در مثال مذکور، منظور تأثیر هر دو فعل در حدوث مرگ باشد به نحوی که تأثیر فعل «الف» و «ج» هر دو در زمان وقوع مرگ حضور داشته است، مورد از مصادیق اشتراک در جنایت و اجتماع عرضی مباشرین است و نه اجتماع طولی آن‌ها، (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۲- تساوی سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲

برابر مواد ۴۹۴ و ۵۰۶، مباشرت آن است که جنایت مستقیماً از سوی مرتکب صورت گیرد. تسبیب و سبب جنایت آن است که غیر مستقیم جنایت حاصل شود و سبب تلف شدن و مصدومیت دیگری شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون تصریح به مسئول بودن مباشر در ماده ۵۲۶ اشعار داشته است، «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است...». با وجود تصریح نشدن مسئولیت مباشر در این ماده، به نظر می‌رسد که عرفاً، مسئول بودن مباشر را منطبق بر اصل می‌دانند و مسئولیت سبب را نیازمند اثبات اقوی بودن آن، مثل مواردی که مباشر بنا به تصریح ماده ۵۲۶، بی‌اختیار، جاهل، صغیر، غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد که در این صورت «فقط سبب ضامن است» عبارت «دو مانند آن‌ها» در ماده قانونی، ظاهراً شامل مواردی که مباشر از روی ناچاری اقدام می‌کند، می‌شود، (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۲؛ به نقل از امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۶: ۶).

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورت تساوی سبب و مباشر بدون ذکر حد و حدود و قیود مسئله در صورت استناد جنایت به هر دو عامل، به نوعی هر دو را مسئول دانسته است. البته به نظر می‌رسد که این نظر مطابق نظر مشهور فقها نیست. در واقع در این ماده، احراز رابطه علیت و اسناد عرفی

^۱ چنانکه ماده ۵۴۲ نیز مقرر داشته است: «هرگاه در اثر رفتارهای متعدد آسیب‌های متعدد ایجاد شود، هر آسیبی دیه جداگانه دارد».

برای احراز مسئولیت، انجام دادن رفتار مجرمانه یا زیان بار کافی نیست، بلکه بایستی بین نتیجه موجود و رفتار مرتکب، رابطه مورد قبول از نظر معیارهای حقوقی وجود داشته باشد. اگر یک عامل به صورت انفرادی باعث ایجاد جنایت شود، تشخیص چنین رابطه‌ای آسان بوده و به راحتی می‌توان تشخیص داد که بین رفتار مرتکب جنایت حاصله رابطه سببیت وجود دارد یا خیر؛ اما ممکن است عوامل متعدد باعث ایجاد جنایت شوند که این عوامل متعدد گاه در عرض هم هستند و گاهی در طول هم و گاهی این اجتماع به صورت اجتماع اسباب متعدد است و گاه به صورت اجتماع مباشرین متعدد و گاهی نیز به صورت اجتماع سبب و مباشر که در این موارد تشخیص رابطه سببیت مشکل بوده و موجب طرح نظریات مختلفی از سوی فقها و حقوقدانان و همچنین صدور آراء و احکام متعدد از سوی دادگاه‌ها در مورد ملاک تعیین سبب یا اسباب مسئول شده است، (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

گاهی ممکن است چند عامل با افعال متعدد مباشرت در جرم نموده به طوری که جنایت محصول مجموع افعال آن‌ها محسوب گردد، به نحوی که رابطه علیت بین فعل هر یک از آنان و جنایت حاصله ثابت باشد. به عبارت دیگر گاه چند عامل به نحو مستقیم و بلا واسطه باعث ورود خسارت یا جنایت علیه دیگری می‌شوند که در این صورت همه آن‌ها به نحو مساوی مسئول می‌باشند؛ بنابراین تحقق این نوع مسئولیت به شرطی است که نتیجه زیان‌بار قابل استناد به عمل همه آن عوامل متعدد باشد، به عنوان مثال چند نفر با هم یک نفر را گرفته و از پرتگاهی پرتاب کنند و همین عمل منجر به فوت آن شخص و یا صدمات بدنی شود یا مثلاً دو نفر با ضربات متعدد چاقو باعث سلب حیات از دیگری شوند. این اجتماع مباشرین متعدد در عرض هم‌دیگر، گاه به گونه‌ای است که این عوامل باعث ایراد جنایت بر یکدیگر می‌شوند که در این زمینه امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «هرگاه دو نفر آزاد و عاقل و بالغ با یکدیگر برخورد کرده و در اثر آن بمیرند، اگر

هم بوده و هر یک مستقل از دیگری عمل می‌کند، بدون این که وجود هر یک شرط تأثیر دیگری باشد. در نتیجه در اینجا هر دو سبب شریک در جرم بوده و به عنوان فاعل مستقل جرم، به طور مساوی مسئول می‌باشند. لذا در صورتی که اسباب متعدد در عرض هم باشند، همه آن‌ها مسئولیت مشترک دارند، (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۵).

هر چند نیرو یا اندازه تأثیر آن‌ها یکسان نباشد. باین حال قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۶ این اصل بدیهی و پذیرفته شده را که موجب کاهش موارد بی‌عدالتی و عدم انسجام آرای قضایی می‌شود در آن قسمت که عنوان نموده «مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند» نادیده گرفته و به معیار «قابلیت استناد» بی‌توجهی کرده و تحت تأثیر ذهنیت علمای حقوق مسئولیت مدنی قرار گرفته است. چرا که در مباحث شبه جرم و قواعد مسئولیت مدنی، میزان تأثیر، اهمیت دارد ولی در قواعد کیفری، موضوع استناد بزه به همه عوامل است که باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد. لذا، اصلاح این قسمت از ماده مذکور در خصوص عوامل هم‌عرض ضروری به نظر می‌رسد. شاید با مشاهده این عبارت در ماده فوق الاشعار در بادی امر چنین به نظر برسد که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به درستی معیار «سبب اقوی» را پذیرفته است ولی با دقت مشخص می‌گردد که بر اساس نظریه مذکور، باید بین علل و اسباب مختلفی که به حصول نتیجه منجر شده است قائل به تفکیک شد، علت یا علل جزئی را که در پیدایش نتیجه چندان تأثیری نداشته‌اند از سلسله علل و اسباب حذف کرد و تنها سببی را مبنای مسئولیت قرارداد که علت اساسی و اقوی در حصول نتیجه بوده است، (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در حالی که ماده ۵۲۶ رابطه استناد بین اسباب هم‌عرض و نتیجه را موجود فرض کرده و صرفاً در میزان و نحوه ضمان بین آن‌ها قائل به تفاوت برحسب تأثیر شده است، (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۶).

۴- اجتماع مباشرین متعدد در عرض هم

مدنظر قرار گیرد. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفاوت اساسی در این بحث به وجود آورده است، زیرا طبق این ماده اگر جنایت مستند به تمام عوامل باشد [در فرض ما مستند به دو یا چند مباشر] به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. انتقاد اساسی به ماده ۵۲۶، این موضوع است که نگرش ماده مذکور یک نگرش کیفری نیست بلکه مقنن استناد در حقوق کیفری را منحصر به تعیین ضامن دانسته است چراکه بیان نموده «... چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد ...» و سپس مشکل را حل شده تلقی کرده و اقدام به تبیین میزان مسئولیت در پرداخت خسارت نموده است.

۵- نظریه‌ها

- نظریه سبب اولیه

این نظریه مشهور فقهای شیعه است که قانون مجازات اسلامی نیز در ماده (۶۴) آن را برگزیده است. مثال معروفی که در این مورد مطرح می‌شود این است که اگر کسی چاهی بکند و دیگری سنگی بر دهانه آن قرار دهد و شخص ثالثی به درون چاه بیفتد، قرار دهنده سنگ ضامن است؛ زیرا مجنی علیه ابتدا با سببی که او ایجاد نموده بود روبرو شده است و عمل او باعث شده است که سبب دیگر (حفر چاه) نیز تأثیر کند. البته فقها تصریح کرده‌اند که فرض این مسئله درجایی است که هر دو متعدی باشند ولی اگر عمل یک نفر مجاز و دیگری غیرمجاز باشد، شخص متعدی ضامن است. به موجب این نظریه، هرگاه دخالت و تأثیر چند عامل در مورد ضرر هم‌زمان نباشد، ضمان بر عهده کسی است که زودتر تأثیرگذار بوده و از این جهت مقدم بر دیگری است. مبنای این نظریه آن است که اگر مرتکب نخستین با رفتار خود حادثه ابتدایی را رقم نمی‌زد، حوادث بعدی واقع نمی‌شد، (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵).

۱۴۴؛ به نقل از رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۳

نظریه سبب مقدم در تأثیر که در فقه امامیه برای احراز رابطه سببیت در اسباب طولی ارائه شده، قرائت دیگری از

قصد قتل یکدیگر را داشته باشند قتل عمد است و اگر قصد قتل یکدیگر را نداشته باشند و فعل هم غالباً کشنده نباشد، قتل شبه عمد است و ورثه هرکدام نصف دیه دیگری را پرداخت می‌کند و نصف باقی‌مانده از هر دو ساقط می‌شود»، (خیمینی، ۱۴۱۲: ۵۶۳؛ به نقل از محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

در تأیید همین نظر مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات سابق نیز مباشرین را به طور تساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌دانست.^۲ ماده ۵۲۷ قانون ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته است؛ «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطا محض نصف دیه هرکدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او بپردازند»، (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

استفاده تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از واژه «بی‌واسطه» مفهوم معنی مباشرت است. در خصوص ماده ۵۲۷ دو نکته قابل ذکر است: اول این که ماده مذکور برخلاف مواد قبلی میزان تأثیر هریک از طرفین را واجد اهمیت تلقی کرده ولیکن نحوه تشخیص میزان تأثیر را بیان ننموده است، گویا در این مورد نیز همانند آنچه در رویه قضایی معمول است باید از نظرت کارشناسی استفاده کرد و همین نکته، ضعف این قسمت از ماده محسوب می‌شود چراکه در صورت وقوع چنین حادثه‌ای به نظر می‌رسد که باید از میزان تأثیر عوامل صرف نظر کرد و به نتیجه واقع شده توجه اساسی مبذول داشت زیرا این که هر یک در وقوع این نتیجه چه مقدار مقصر بوده‌اند، به علت مشکلات عملی تعیین این مقدار و بروز نتایج احتمالی مبتنی بر بی‌عدالتی و تشتت در آرای قضایی نباید

^۲ ماده ۳۳۴ در موردی است که هر دو مباشر کشته شوند و ماده ۳۳۵ نیز در موردی است که یک نفر از مباشرین کشته شود.

به‌ویژه در فرض اجتماع سبب و مباشر، طرفداران سرشناسی دارد، (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۴). با این وجود، ایراد این نظریه نادیده گرفتن عوامل مقدم در تأثیر است. در واقع، همان ایرادی که بر نظریه قبلی وارد بود، بر این نظریه هم وارد است. اولی، عوامل نزدیک را فراموش می‌کند و دومی، اسباب دور و مقدم را.

- نظریه سبب پویای نتیجه:

بر اساس این نظریه، تنها، شرایط متحرک می‌توانند منشأ تغییر شوند و نتیجه مجرمانه در واقع نتیجه شرایط متحرک است، نه شرایطی که متوقف و بی‌حرکت هستند. کسی که ضربه‌ای به بیمار قلبی می‌زند، ضربه که شرط متحرک است عامل نتیجه شد، نه بیماری قلبی که ساکن است. نقطه ابهام این نظریه این است که شرط ایستا درست تعریف نشده و نتیجه این نظریه، عدم مسئولیت کسی است که مرتکب ترک فعل شده است، (فرهادوند، ۱۳۸۰: ۲۵).

این نظریه، جنایت را به حساب عاملی می‌گذارد که در مقایسه با عامل یا عوامل دیگر از تحرک و پویایی بیشتری برخوردار است، (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۶۹).

به‌طور مثال، شخصی که دارای بیماری زمینه‌ای است به پزشک مراجعه می‌کند و پزشک در حین معالجه مرتکب تقصیر شده و بیمار فوت می‌کند. طبق دیدگاه مزبور، بیماری زمینه‌ای عامل ساکن محسوب شده و در نتیجه، جنایت به حساب پزشک گذاشته می‌شود. ایراد این نظریه بیشتر متوجه آن است که فقط در جنایات ناشی از فعل کاربرد داشته و ترک فعل‌ها را شامل نمی‌شود، (رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۴).

- نظریه برابری اسباب

به‌موجب این نظریه، نباید بین اسباب و شرایطی که زیانی را به بار آورده است، تفاوت و تمایزی قائل شد، چون هیچ‌یک از آن‌ها به‌تنهایی برای ایجاد حادثه کافی نبوده و از جمع همه عوامل، جنایت یا خسارت واقع شده است. پس تمام آن‌ها سهم برابر دارند و بین هر عاملی، خواه دور یا نزدیک، با صدمه و

همین نظریه است؛ بنابراین اگر پزشکی در درمان جراحی وارد شده به دیگری کوتاهی کند و بیمار بمیرد، پزشک بی‌مبالات مسئول نیست! چراکه در قتل زیان‌دیده، جرح وارد شده سبب مقدم در تأثیر است و اگر نبود، عامل دوم مداخله نمی‌کرد. ایراد این نظر، نادیده گرفتن سایر عوامل و اسباب دیگر به‌ویژه عوامل نزدیک به حادثه است. به همین خاطر است که برخی فقها ضمان را به سبب مؤخر در تأثیر نسبت داده و بعضی از آن‌ها اشتراک در ضمان را برگزیده‌اند، (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۳).

- نظریه سبب مستقیم نتیجه

در این نظریه، نزدیک‌ترین و آخرین سبب، مسئول قرار می‌گیرد و از علل دور چشم‌پوشی می‌شود. اشکال این نظریه این است که سهم علل و اسباب دیگر را در نظر نگرفته است؛ چه بسا علل و اسباب بعیده سهم بیشتری در وقوع حادثه داشته باشند. این نظریه با شرط مؤخر که در فقه مطرح شده است مرتبط است، ولی ممکن است کاملاً یکی نباشد. اگر علت ضمان در سبب مؤخر در مواردی باشد که به اسباب قبل از خود فعلیت بخشیده، این سخن درست است؛ ولی اگر اسباب قبل از خود فعلیت داشته ولی سبب مؤخر آن را تشدید کرده، تحقق نتیجه محتاج به سبب مؤخر نبوده است، (آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۴۸).

تحمیل مسئولیت بر نزدیک‌ترین و آخرین سبب و بی‌توجهی به اسباب و عوامل دور، مبنای این نظریه است. این نظریه بر این توجیه استوار است که چون جنایت، ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با عامل نهایی دارد و به عبارتی، فرایند مرگ یا آسیب بزرگ‌تر را کوتاه کرده است، لذا عرفاً ضرر وارده به این عامل مستند است و سایر حوادث دخیل، به‌عنوان شرط محسوب می‌شوند، (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۵۱؛ به نقل از رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۳).

این نظریه در حقوق مسئولیت مدنی تحت عنوان تئوری سبب نزدیک و بی‌واسطه مطرح شده است، (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۷؛ به نقل از صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)؛ و در فقه امامیه

خسارت یا خسارت مداخله می‌کند و نحوه دخالت نیز طولی (غیر هم‌زمان) باشد. جمعی از فقیهان امامیه و برخی از حقوقدانان غربی معیار «اگر ... نبود» را برای احراز رابطه سببیت پیشنهاد داده‌اند، به این معنا که اگر فعل واقع شده محقق نمی‌شد، خسارت یا جنایت پدید نمی‌آمد. این ضابطه گرچه در پاره‌های موارد مفید است، اما برای تمام موارد دخالت عوامل متعدد راه‌حل ندارد و لازم است، فعل مرتکب به صورت مثبت نیز در وقوع نتیجه مؤثر بوده و آن را به وجود آورده باشد. همان‌طور که در بررسی برخی مواد از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره گردید، تغییراتی مؤثر در پاره‌ای از مواد این باب از قانون در جهت رفع اختلاف‌نظرهای حقوقی اعمال گردیده است. از جمله محدود کردن دایره شمول نظریه سبب مقدم در تأثیر که از جهات مختلف قابل تأمل می‌نمود. ولی آنچه فراسوی مواد قانونی دارای اهمیت است و خواه‌ناخواه در تحلیل مواد و یا حتی تغییر آن نقش مؤثری ایفاء می‌نماید، تفکیک نظری مسئولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان مقررات کیفری باید در تمامی مراحل، با مطمح نظر قرار دادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی نمایند. مسلماً در چنین صورتی است که راه اختلاط دو مبحث و اصطلاحات و ابزارهایشان با یکدیگر مسدود می‌گردد. طبعاً بر اساس ادبیات کیفری، مسئولیت کیفری مقدم بر موجبات ضمان و به‌عنوان کانون بحث در رابطه سببیت قرار خواهد گرفت و پرداخت خسارت به‌عنوان امری لازم ولی متفرع بر مسئولیت کیفری محقق خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ سی‌ام، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲) حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، انتشارات میزان.
۳. آقایی نیا، حسین. ۱۳۸۶. جرائم علیه اشخاص (جنایات) تهران، انتشارات میزان، چاپ: سوم، ص ۴۸

خسارت رابطه سببیت موجود است، (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۵۱؛ به نقل از صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

این دیدگاه از سوی برخی فقهای امامیه در اجتماع سبب و مباشر ارائه شده، به گونه‌ای که گفته‌اند در صورتی که شخصی دری را باز بگذارد و دیگری مال را بدزدد، هر دو ضامن‌اند و مالک می‌تواند به هر یک از آن‌ها که بخواهد رجوع کند، (حائری، ۱۴۱۶: ج ۱: ۲۰).

این دیدگاه نیز به علت بی‌توجهی به شدت و ضعف عوامل دخیل و یکسان دیدن همه آن‌ها محکوم به رد است. با این حال، قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۳۳ در فرض مداخله عوامل به صورت عرضی این نظریه را مورد توجه قرار داده است. در ماده مزبور، ظاهراً میزان تأثیر رفتار مرتکبان مهم نبوده و همه شریک هستند.

نتیجه‌گیری

مباحث نظری مربوط به رابطه سببیت و زوایای آن در حقوق کیفری کشور ما همچنان در هاله‌ای از تردید و تشتت قرار دارد و هنوز تفکیک دقیق و جامعی در خصوص رابطه استناد در حقوق کیفری و آثار آن در مقایسه با مسئولیت مدنی انجام نگرفته است. به همین ترتیب در رویه قضائی و عرف آراء قضائی نیز نظریه واحد و منسجمی ملاحظه نمی‌گردد. کانون توجه همه اندیشمندان به هنگام بحث در خصوص رابطه سببیت، مباحث ضمان و میزان پرداخت خسارت به قربانیان جرم است و گویا اهمیت اجتماعی تقصیر و سرزنش کیفری نادیده گرفته شده و شأن آن، هم‌پایه مسائل مسئولیت مدنی تلقی می‌شود. ولی باید به این نکته توجه کرد که مسئله شناخت بزهکار مسئله‌ای است بسیار اساسی و آثار بسیار مهمی به لحاظ اجتماعی بر زندگی اشخاص دارد. احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده عنصر مادی جنایات و نیز میان فعل زیان‌بار و خسارت وارد شده به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مبتنی بر یک الزام قانونی است؛ اما مشکل در طریقه احراز این انتساب است، به‌ویژه در مواردی که چند عامل در وقوع

۴. امینی، منصور؛ عنایت تبار، رشید. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و حقوق انگلستان در عامل مداخله‌گر»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی دوره ۹، شماره ۱.
۵. بازگیر، یدالله. (۱۳۷۷). *قانون مجازات اسلامی در آیین آراء دیوان عالی کشور؛ (قتل شبه عمد و خطای محض)*، تهران، انتشارات ققنوس.
۶. حائری، سید علی. (۱۴۱۸). *ریاض المسائل*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
۷. حلی (محقق)، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام*، ج ۲، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان.
۸. خمینی، سید روح‌الله موسوی. (۱۴۱۲). *تحریر الوسیله*، ترجمه، اسلامی، علی، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
۹. رستمی، هادی؛ شعبانی کندسری، هادی. (۱۳۹۵). «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم.
۱۰. صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۳). «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم.
۱۱. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. فرهادوند، علی. (۱۳۸۰). «تسبیب در جنایات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. قیاسی، جلال‌الدین. (۱۳۹۰). *تسبیب در قوانین کیفری*، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی: قواعد عمومی*، ج ۱، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). *دوره حقوق جزای عمومی*، پدیده جنایی، ج ۲، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۱۶. محسنی، فرید؛ ملکوتی، نصیر. (۱۳۹۴). «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم.
۱۷. میر محمدصادقی، حسین. (۱۳۹۲). *جرائم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی)*، چاپ ۱۲، تهران، نشر میزان.
۱۸. نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۴۰۴). *جواهرالکلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. نجفی، محمد. حسین. ۱۳۶۲. *جواهرالکلام فی شرایع الاسلام*، دار احیاء التراث العربی، جلد ۳۷، نشر بیروت، لبنان.